

In the name of Allah, the beneficent, the merciful

تضاد و تناقض در گفتار و رفتار رهبران جهان (مقاله 286)

Contrary and contradiction in world's leader's speeches and behaviors (article 286)

حل چالش های بین کشورها و نیز در سطح ملی تنها با درک لازم از قوانین تکوینی ممکن است، زیرا داده های غیر حقیقی مادیگران برای نظام های عدل گستر توجیه ندارد ، ساختار و ماهیت کره زمین برای صلح و هم زیستی خلق شده است نه برای جنگ افروزی

The solutions of challenges between countries and also in national level are only possible by necessity understanding of genesis's laws, because the untruth data of materialism is not feasible for the spreading justice's systems, the structure and nature of the Earth has created for symbiosis and well for peace, not for war

نویسنده: محمود صانعی پور : خبره میان رشته ای و یادگیرنده مادام العمر

Writer: mahmoud saneipour: interdisciplinary expert and very learned man (LLL)



Mahmoud Saneipour

مقدمه :

ما در قرن بیست و یکم با جهانی پر از تضاد و تناقض روبرو هستیم ، دنیائی پر از مسائل آمیخته ، مترکم و پیچیده که گویی تضادها و تناقض ها با هم آئین همگرایی را امضاء کرده و امکان نمی دهند که سخنی که از زبان مردم اجحاف دیده و حرمان کشیده که صاحبان حقوق اصلی هستند به گوش رهبرانی برسد که خود آنها در اجحافات و حرمان ها دخیل بودند ، چگالی های آشوب گرانه (densities of riotous) چنان سایه سنگینی بر فضا های ملی و بین المللی انداخته است ، که گاهی چالش های کوچک و حاشیه ای بر ابرچالش های اساسی رجحان پیدا کرده و موضوع عدالت خواهی ملت ها را در گلو خاموش میکند ، چه فریاد های که در جبهه های حق بر علیه باطل مثل غزه ، یمن ، میانمار و غیره در این هیاهوی های ساختگی ، خاموش میشود و در این امواج خروشان و آشوب های زمان شنیده نمیشود ، کمتر دیده میشود که دویا چند رهبر جهانی با هم نشست داشته باشند و برای حل مسائل منطقه ای و جهانی با هم توافق کنند و بموجب آن

توافقات مبادرت به انجام یک پروژه ی منطقه ای یا بین المللی را کلید بزنند که خوشبختانه شمار این پروژه ها به لحاظ طبیعت هیبریدی کره زمین (The hybrid nature of the Earth) زیاد است و انجام مشارکتی همین طرح ها و پروژه ها با امکانات موجود کشورها ، راه حلی مطلوب برای صلح و آشتی و زدودن کدورت ها و اصلاح شالوده ها و ساختارهای مورد تعارض بکار رود و در مراکز سنجش ها ی بین المللی ، باید این ارزیابی ها صورت بگیرد و تمام کسانی که در مسند تصمیمات و یا حوزه تحقیقات ، از حقوق مردم مظلوم دفاع میکنند ، به عنوان نیروهای مدافع ملی و بین المللی اعلام و از راه حل های آنان استفاده گردد.

Preface

The twenty-first century we are faced with a world full of contrasts Paradox, A world full of interwoven issues, solid and complexity that if it conflicts with the teachings of convergence has signed Paradox together and not possible that extortion and deprivation seen something that people's tongue are drawn that main beneficiaries aren't the leaders reach their ears that they were involved in abuses and people's disappointment, the densities of riotous, such his shadow is heavier on national and international space , sometimes the small and marginal challenges those it has preference over and the theme of justice-seeking nations in the throat off, whatever crying became to keep silent in fronts against false fronts like Gaza, Yemen, Myanmar and etc.in these collusion uproars and not heard into shouting waves and in the time of turbulences, less that two or more world leaders are meeting together and agree to resolve regional and international problems together and according these agreements to embarking a regional or international project that fortunately, there are most of these projects for the reason be hybrid nature of the Earth and doing these projects jointly by countries together and their self-potentials it is the desirable ideal solution for peace and reconciliation and file away displeasures and be amending of foundations and structures relate aggressions and these assessments should be evaluate in central measurement in the world and all those in positions of decision or the field of research defend the rights of oppressed people , as national and international defense forces announced and get used of their solutions.

متأسفانه دولت ها بجای استفاده از امکانات و ظرفیت های یکدیگر که طبیعت کره زمین باین قانون تکوینی ساختاریافته است بادر نظر نگرفتن منافع ملی و منافع ملت خود و سایر ملل ، نسبت به هدر دادن امکانات و نیروهای خود در اهداف نظامی و ایذائی یکدیگر، شرایط را برای عدم حل مسائل مبتلابه ، صلح ، کاهش فقر ، بیکاری ، و نظایر اینها افزون میسازند ، این یک پارادوکس آشکار از رفتار و گفتار رهبران

جهان کنونی است که حتی در سطح ملی کشورها هم نمونه های از آن ها مثال زدنی بوده و آنقدر به نقد هم میپردازند که مجالی برای راه حل های منطقه ای و جهانی نمی ماند و یا دراستفاده از راه حل های ارائه شده اغفال میشود و تا جایی که این محقق ، تحقیق کرده است ، مجالی برای مطالعه نامه ها و راه حل و توصیه ها نیز نمی یابند ، بدیهی است در چنین شرایط خصمانه ، هیچ نظریه مفید و مصالمت آمیز ، هیچ طرح و پروژه منطقه ای و بین المللی موثر برای مردم به روی سکوی عمل قرار نمیگیرد و موارد نادری هم که در بعضی مناطق با کشورهای دوست و همگرا انجام گرفته و میگیرد ، نوعی سپر اندازی برای جلوگیری از هجمه دشمنان و یا ایجاد حاشیه امنیت بوده و یا فرار از مخصصه های کنونی جهان است و چنین به ما الهام میشود که جهان کنونی باید شرایط سخت تری را در آینده تجربه کند که مجبور شود ، به ترک مخصصات تن داده و برای پیدا کردن لقمه ای نان و بقای خود ، به همکاری های تکوینی و تکامل تدریجی خود قیام نمایند.

Unfortunately, instead of using government facilities and together their capacities that however, according to the law of structured genesis nature of the Earth is, by neglecting the interests of their nations and other national interests of the nations to squander their forces in military facilities and injury to each other, provide the conditions for the failure to solve the problems affecting of peace, poverty reduction, unemployment, and like these, this seeming paradox of behavior wherein the current world leaders , even in level of national counters, either pay critique together so that does not stand time still for solving regional and global problems and or they neglect in this matter and don,t any time for reading letters , solutions and recommendations, obviously, in such hostile conditions, is not in operation on The platform no useful theory , regional and international projects of any plan effectively for the people .

این شرایط جهانی و تسری آن را در سطوح ملی ، می توان از زوایای دیگری که مبتنی بر قوانین تکوینی است ، مورد مطالعه قرارداد و با یک نگاه عمیق به تبعات و ترکش های آشکار و نهان آن در روابط بین انسانها ، اقوام ، رابطه بین دولت و مردم و لایه های مختلف اجتماعی ، نشانه ها و پدیده های ناشی از جریانات و تموجات آن را از لحاظ شکر نعمات موجود و یا کفران آن مورد دقیق قرارداد ، و با نگاه تطبیقی (که در دهها مقاله منعکس نمودم) به کشورها که شرایطی بسیار سخت تر داشته و با اهتمام و مقاومت های سخت ، نوآوری و پذیرش شرایطی که تمامی آنها از ناحیه دولت ها و یا فعالان سیاسی و اقتصادی نبوده (که همین رفتار و صبوری و اهتمام از شرایط شکرگذاری است) توانستند ، روزگار ظفرمند خود را تجربه کنند ، و اگر این شکرگزاری عملی (نه زبانی) از سوی مردم ، ملت ها و دولت ها ، رهبران و صاحبان قدرت و دارندگان نعم الهی ، صورت نگیرد ، بمعنی کفر نعمت بوده و خداوند متعال نه اینکه مشکلات آنها حل نکرده و نعمت را برای آنان افزون نمی کند ، بلکه عذابی دردناک را برای آنان می فرستد ، همانطور که هر روز نشانه ها و پدیده های آنرا مشاهده میکنیم و این موضوع یک حقیقت آشکار است که در ادبیات تکوین جهان (The genesis of world literature) با رکوردی معادل (About 37,600,000

results) ضبط و مردم دنیا با فطرت خود با این گفتمان و گویش ها ، آشنائی داشته و حاجات خود را در مراکز عبادی از خداوند متعال درخواست میکنند ، صاحب این سنت و قوانین هستی در آیه 7 سوره ابراهیم می فرماید: "وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ۖ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ" - یعنی: (باز به خاطر آرید) وقتی که خدا اعلام فرمود که شما بندگان اگر شکر نعمت را به جای آرید بر نعمت شما می افزایم و اگر کفران کنید عذاب من بسیار سخت است" منظور این بود که سنت خداوند بر آن است که شکر را وسیله ای از دیاد نعمت قرار داده و این سنت را قاطعانه اعلام کرده است. "تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ" یعنی موگدانه و روشن و آشکار که نشانه هایش را مشاهده میکنید

These global conditions and extend it at national level, we can considerate to study from another angle, based on the laws of genesis in human relationships, nations, relation between people and government and other social layers, show us the signs and phenomenon's of currants and views results for receiving of bounty will increase your bounty or denial of the bounty will cause you to loose what you already have and by a comparative study (refer to my articles about this matter) to some countries those had more difficult by ccompared with countries Today, but they could experience the time of their victorious with its high effort and hard resistance , innovation and accommodating when all the governments are not economic or political activists(the same behavior and efforts is from conditions of waiting and thanksgiving)and if people and states do not do this thanksgiving practically nor lingual, so, sense of disbelief blessings and Allah rather than their problems solved and in addition to their blessings not, but also sends them a painful punishment, this fact is clear truth, That have written genesis of world literature by about 37,600,000 results, the owner of this tradition are laws said” And [remember] when your Lord proclaimed, 'If you are grateful, I will surely increase you [in favor]; but if you deny, indeed, my punishment is severe.' "

سعدی علیه الرحمه فرمود " شکر نعمت ، نعمتت افزون کند، کفر نعمت از کفت بیرون کند"

Saadi said: Gratitude (to God) for (receiving) the bounty, will increase your bounty
Denial of the bounty will cause you to loose what you already have

توجه: کیفر کفران نعمت، تنها گرفتن نعمت نیست، بلکه حتی گاهی نعمت سلب نمی شود، ولی به صورت نقت و استدراج در می آید تا شخص کم کم سقوط کند "لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ".

Note: Punishment ingratitude, is not only a blessing, but even sometimes not is denied blessings, but it comes a curse and graduation in, until the person gradually fall” indeed, my punishment is severe “

امیرالمومنین علی علیه السلام در حکمت 244 نهج البلاغه می فرمایند: " خداوند در هر نعمتی حقی دارد، کسیکه حشش را ادا کند نعمت او را افزون کند و کسی که کوتاهی کند نعمت را در خطر زوال قرار می دهد" و نکته اصلی در این نوشتار این است که حق خداوند در برابر نعمت هایی که به بندگان عطا می کند چیست؟ و این فقط مختص به مردم عادی نیست ، رهبران ، دولت مردان ، مسئولین ، بازرسان ، قضات ، کسبه و همه و همه در هر منصب و مقام و یا تکلیفی که داشته باشند مربوط میشود و نتایج اعمال خیر و شر آنان ، چه فردی و چه گروهی ، بر اساس این سنت الهیه گریبان آنها را خواهد گرفت ، لذا هیچ امری در سنت الهی رها شده نیست و هیچ کوتاهی مورد گذشت نمی باشد و زمان حساب و کتاب آن برابر همین قوانین که در قواعد دانش مفید گرد آمده است ، فرا خواهد رسید(به کتاب حقوق متقابل امام سجاد مراجعه شود).

Imam Ali says:” Allah has a right in favor, who is entitled to pay the debt increases his blessings and who favors short puts at risk the decline” and it is essential point in this phrase that right to the blessings that Allah gives to His servants what? And it is not only the common people, related to leaders, government officials, inspectors, judges, businessmen and all and all in any position or assignment officials have and the results of their good deeds and evil, who or group, according to the tradition, they will face divine, so no divine tradition is not abandoned and no fault cannot be forgiven and will come account book have equal time the same rules that has gathered in useful knowledge’s rules (refer to book of reciprocal rights of Imam Sajjad” peace upon him”).

نسبی بودن دانش بشری ، در تقابل با قطعی بودن قوانین تکوین

Relativity of mankind’s knowledge in contrast with certain Genesis’s laws

قوانین تکوینی قبل از اینکه به عنوان انگارهای ذهنی در اثبات گرائی با روش کثرت گرائی (pluralism) و نظایر اینها بکار رود ، به عنوان سنن و قوانین الهی در ذهن معتقدین و حق طلبان جهان معنا و مفهوم دارد، با این صراحت گوئی ، هر گونه دانش بشری ، یعنی دانشی که بشر با ایده و مقاصد خود به دست یافته است در تقابل با قوانین قطعی تکوینی بوده و یک سرمشق و الگوی مسلط (Paradigm) نسبی محسوب میشود که بر جهان کنونی سلطه کرده و این اعتقاد باطل را بوجود آورده است که هرکس می تواند با یک ایده جدید ، یک محصول و یا یک فرضیه نوین را بوجود آورد بدون اینکه تضمین کند ، این نتیجه فکری و یا اقدامی وی مثلاً در سیاست ، اقتصاد ، فرهنگ و امور اجتماعی ، تولید دارو ، تغییرات محیط زیست ، تراریختگی در محصولات کشاورزی ، یا غذاهای صنعتی و نظایر اینها آیا برای بشر مفید است؟! ، برای اینکه تجربه تاریخی نتایج علوم و فناوری ها قرون اخیر نتایج دردناکی را در رابطه به مردم جهان نشان داد و پدیده هایی که بدین وسیله رخ داد ، بسیاری از آنها جزء تخریب کره زمین شده و ایجاد دکان هایی برای درآمد های هنگفت ، اثر نافی برای عموم نداشته است .

Genetically rules before as tends to be used for proving mental notion like pluralism and other fixing in the mind, that concept is as divine laws and traditions in the minds of

believers the right to separatists the world, by this outspokenness, any knowledge from fixing in the mind of innovators are in contrast to the laws of the genetic final nature and it is a predominated and conceived paradigm, whereas that is a relative subject, which has dominated the contemporary world and this has created the false belief that everyone can creates anything with a new result , a product or a new theory created without guarantee, is it useful to mankind as this reflective? In political decisions, economic, cultural activities, social affairs, drug development, environmental changes, GM of agricultural or industrial products and so on! To date, the results of science and technology experience of recent centuries showed us painful results in relation to the world nations and thereby phenomena that occurred many of the destruction of the Earth and creating many lucrative stores have not been caused by contributing to the public.

ما پس از گذشت سالها از معرفت شناسی دانش ، باین حقیقت دست یافتیم که موضوع صدق (truth) و داده های مرتبط با آن با آمارهای امروز جهان مطابقت ندارد و این عدم مطابقت در بروز ابر چالش های جهانی نشان از کذب آمارهای بظاهر امید دهنده و تبلیغات رنگارنگ و پدیده های مردم فریب است و اینکه اینها را واقعیت می گویند ، به معنی حقیقی بودن نفس الامر و ذوات پدیده ها و نشانه ها نبوده و یک امر واقع شده به معنی حقیقت و درستی آن واقع نیست (به سلسله مقالات این مولف در این مورد مراجعه شود) ، بهمین دلیل ، آنچه به عنوان اخلاق علمی ، دین های ساختگی ، سیاست های مزورانه ، فرهنگ های فساد انگیز بر اساس مدرنیته و پسا مدرنیته و ایسم های دیگر به خورد مردم دنیا دادند ، در تقابل سخت با تکوین به معنا و مفهومی که بیان کردیم ، بوده و نتایج این تلاش شیطنانی ، همان تخریب محیط زیست و جریان سالم اجتماعی بسوی بیماری های ناشناخته است و در چنین اوضاعی صحبت کردن از نظام عدالت با داده های حقیقی ، دارای مفهوم و معنایی پسندیده برای مادیگران نیست و فرضیه های مربوط به مدل های بهینه سازی ، فقط منافع شخصی افراد سود جو را تامین میکند و حقی برای سایر صاحبان حق نمی گذارد.

After years of epistemology knowledge, for this fact achieved that subject of truth and its data relates it, with today's data does not match and this mismatch in showing of mega challenges by Statistics apparently hope the colorful advertising is people deception and the fact that they say, it is not mean just itself and essences phenomena are not symptoms (refer to my article about this matter), for this reason, the so-called scientific ethics, artificial religions, hypocritically making policies, corrupt cultures to suck people in the world have by name of modernity, postmodernity and other isms were in contrast to hard formation by genesis currents and these satanic efforts, The same that destruction of the environment and through unknown diseases and in such a situation, talking of justice system, orthographic concept to materialism has not desirable and related theories to optimizing models, only those crass self-interest provides and Right to not affect other rights owners.

با توجه به مطالب فوق ، موضوع تضاد در تصمیمات رهبران جهانی به لحاظ گفتاری ، رفتاری و عمل(چه محلی و چه خارج از موطن اصلی) وبخصوص دفاع از عدالت وانصاف ، حق خواهی ، کاهش فقر وشکاف درآمدی مردم ونظایر اینها رکوردی معادل (About 20,900,000 results) ثبت شده است که اگر به این نوشته ها واعتراضات ومطالبی (که برای ثبت در تاریخ نگاشتند که آیندگان دریابند) باین مدارک کشف شده اضافه شود، بدون شک از پنجاه میلیون تجاوز کرده واین تنها بخشی از کوه مصائب جهانی است که در دل های مردم اجحاف دیده وحرمان کشیده مظلومین زمین از دست چپاول گران شناخته شده و همان کوه یخی که در زیر آب پنهان مانده ومنتظر کشتی های تانانیک است که آنها را (که حتی در حال غرق شدن در مشروب خوری ورقصیدن هستند)خرد ومتلاشی کند که 70 در صد فقر وگرسنگی جهان از بخش پنهان این کوه یخ هستند که در هیاهوهای کفرآمیز این دنیا از یاد رفته است و فقط در نوشته ها ویا مقالات منتشره مراکز خیریه که آن ها هم فقیر هستند وهم سو وهم جهت با اندیشمندان وصالحان ، جهاد گران وتمام کسانی با توان خود به نحوی از انحاء در این مسیر گام های موثر برمیدارند.

Considering of above subjects, the issue of conflict in the decisions of world leaders in terms of speech, behavior and action (internal or external) and especially the defense of justice, search of truth, reducing poverty and income gap and like these has registered equal About 20,900,000 results from writtens and protests of people and this is only part of global cataclysms mountain have said by disappoint and drawn oppressed people abuse in the earth from known looting of expensive and like the iceberg is hidden under water and it is waiting of titanic ships that break them.

نظام مادی پرست سرمایه داری، این معرفت الهی را از سیاست جدا کرد (secularism)، این یک بد فهمی از قوانین الهی وتهی سازی دانش بشری بود که اینک در حال چوپ خوردن این کژروی های خود شده است ، من درود میفرستم به مردان وزنان آزادیخواه جهان که در بند وقید ایده ها وخواش های نفسانی خود وچپاول گران نبوده ونیستند ، اگر امروز در این دنیا وانفسا از یکدیگر جدا افتادند ، ولی دلپایشان با هم بوده وگره خورده است وبیانیه همدیگر را مطالعه میکنند وهمردی می نمایند واین خطری بزرگ برای زورگویان بوده وبشارتی امید دهنده برای محرومین جهان است ودر این راستا تغییراتی در ادبیات وهرمنوتیک حق شناسان از بروز آشوب ها وبهران ، تناقضات بین گفتارها وکردار ها پیش آمده است که مایه تبیین گفتمان بین اندیشمندان شده است ودرک خاصی که از جریان تکوینی است که در این بیانیه های مشاهده میشود، نظیر اینکه در این جنگ وجدال ها ، نشانه هائی از صلح ودوستی وجود دارد ، چه بسا کشورهای هم جواری سالها با خصومت داشتند ویا با هم جنگیدند ، ولی اینک کشورهای کامله الوادی ومنسجم ورفیق با یکدیگر بوده و زندگی مصالمت آمیزی دارند وآزاد مردان وزنانی که نوکر وبنده ستمکاران قرار نگرفتند وجزء سرافرازان وقهرمانان جهان محسوب شدند ، خداوند این چنین مقدرات خود را به آزمون میگذارد (به مقاله آزمون از این مولف مراجعه شود).

The capitalism and materialism, the knowledge of religious be separate from politics as secularism, this is a misunderstanding of the divine laws of human knowledge was empty of justice, that right now are beating from such thinking, I salute the men and women libertarian world those who is not in self-sensual pleasures and plunderers, if today's world fell apart from together, but their hearts were together became knot and read their statement and get their fellow-feeling and this is a great danger for bullying and evangelical hope for the poor of the world and in the way created a great changing in literature and harmonic of the world for many wises those who found that a certain understanding current of genesis.

همه چیز دنیا را نمیشود با علم و فناوری امروز جهان فهمید و موضوع مهمی که در این تموجات ، جریانات و جولانگاه ها بخوبی فهم میشود، اینست که هر کس درست می گوید ، حق و حقیقت را فهم میکند و حقوق مردم را رعایت میکند از زمره کسانی میشود که نمره ممتاز میگیرد و در این تسویه خانه دنیا که از آن به بالانس دنیا تعبیر میکنند ، زیر سم اسبان نبرد له نمی شود و نجات می یابد ، پارادوکس های ایجاد شده توسط رهبران زور گو و پاسخ آنها توسط رهبران منجی ، آمیخته ای بوجود آورده از معرفت شناسی انسانیت (Epistemology of humanity) که با علوم حسی- ابطالی که مرز حق و باطل در این آمیخته گم شده است و تابع فیلسوفان بد اندیش و بدکردار (bad thinking and bad behavior)، (به مقاله این مولف در این مورد مراجعه شود) است ، ولی فراوانی حق شناسان این قرن که در واقع از اواسط قرن هیجدهم آغاز گردید در سمت و سویی است که از جهت حق و حقیقت ، عدالت خواهی ، پروژه های یقینی و تمکین از نیازهای انسان حکایت دارد، زورگویان و کسانی که مردم را از حقیقت دور میکنند ، راه فهم حقیقی، دریافت حقانیت و قوانین قطعی عالم هستی را نمی شناسند و با نگاهی به اطراف خود و آسمان بالای سرشان ، فکر میکنند علامه شدند و این در حالی است که مردم مظلوم ، خود عامل شناسا هستند و از الهامات یقینی دور نیستند و به آینده ای مطمئن از نجات آنها توسط مقدرات الهی اعتقاد راستین دارند .

Everything in the world cannot be realized with today's science and technology and an important issue in this undulation, currents and circuses processes are well understood, is that everyone just says, understand the truth and respects people's rights among those who are privileged score and this world's Clearing House that it interpreted the world in balance, will not battle crushed under the hooves of the horses and will salvaged, the paradoxical speeches from leaders who makes unjustified demands and call by leaders of the savior, has created a mixture of Epistemology of humanity that mix is missing the right border and false and following of bad thinking and bad behavior philosophers (refer to my article about this matter) , but a lot of gratitude this century actually began in the mid-eighteenth century is in that direction that basis on truth and rights of people be suggests

human needs, bullies are those who people far the truth, they do not know the truth or true understanding, also deterministic laws of the universe , and look around and periodic overhead, he thought they were very learned and this despite the fact that innocent people, are them-self acquainted and not far from certain inspiration and a secure future to rescue them from their true belief by divine destiny.

جای بسیار تاسف است که این ناآگاهی های مفرط از جانب توطئه گران برای بیرون راندن صاحبان حق از وطنشان ، سرزمین آبا و اجدادشان ، حقوق حقه اشان با صورت بندی های ناشیانه از طریق سازمان های بین المللی (که خودشان ساختند) ورشته های تحصیلی باصطلاح اقتصادی- سیاسی – جغرافیائی ، یک قاطبه تحصیل مدرک دار بوجود آوردند که بعضی از آنان ، گول این چپاول گران خورده ، ولی بسیاری از این آموختگان با تحقیقات عمیق خود از نقشه شوم این حيله گران جهانی که در همه کشورها ، آگاه شدند و جبهه اخطار کننده و بیدارباش نظیر صوراسرافیل (picture Ismail's) خودرامستحکم ساختند، بعد از نابودی داعش (Isis) که هفت تریلیون دلار برای آمریکا و هم پیمانان آن هزینه ایجاد کرده که بآن می توانستند ، فقر جهانی ریشه کن کنند ، اینک کلونی هائی از روشنفکران حقیقت بین تدارک شدند که به قوانین تکوینی اعتقاد پیدا کردند.

در تاریخ بشریت ، زودن معارف ذاتی سنت الهی ، فطرت انسان ، اندیشه های ناب و خالص اندیشمندان اعصار گذشته ، قابل انجام نیست ، این معارف به فرهنگ اقوام ، ادیان روشن گر ، رفتارها و اندیشه های ناب با طبیعتی مخلصانه تبدیل شده که خداوند متعال نگهدار آنست و خودش در جریان ها و تموجات اجتماعی فرضیه های بنیادین ایجاد کرده است و نابود شدنی نیست ، سعی در نابودی این شیوه طبیعی و فطری خدا شناسی و تمکین از ادیان ، یک خصصیه پایه ای و یک ساختمان مستحکم از هبوط آدم ابوالبشر تا کنون در اعماق قلب انسانها و تا عمق و گستره کره زمین سرایت کرده است و حافظ ناموس جهانی ، حقوق ملت ها ، عدالت و توزیع عادلانه آنست ، در طول تاریخ زورگویان زیادی بوجود آمدند که با پیروی از دانشمندان دنیا پرست و نیز کیمیا گران ، منجمان ؛ جادو گران ، صنعت گران ، مردان و زنان هوشمندی که چند صباحی با این جرثومه های فساد فی الارض همکاری کردند ، یا با این مفسدین نابود شدند و یا توبه کرده و به دامن ملت ها برگشتند ، این صیرورت تاریخ است ، این چرخه علیت (causality cycle) تاریخ است ، جنگ شیطان با خدا که بصورت انسان های شیطان پرست با انسان های خدائی درآمده است و هنرمندان با شعر ، نقاشی ، موسیقی ، نمایش های هنری ، و اینک با تاتر و سینما با ژانرهای (genres) مختلف صورت نگاری کردند و عجیب اینجا است که ما هر روز شاهد صورتک (mask) های زمان خودمان هستیم! که با صورت های تاریخی شبیه سازی شده است! و این نیز تدبیری از جانب تکوین است!

آنچه امروز در همه کشورها ، بسر ملت ها آمده است و نتیجه اعمال خودشان است ، هنوز آن وخامت های محشرگاهی (Gathering place) تاریخی را پیدا نکرده است ، نمونه هائی از این محشر های صغرا بوده که در طول جنگ جهانی دوم در آلمان ، ژاپن ، تا حدودی در اروپا ، آسیا و بعضی نقاط جهان ایجاد

گردید وبا اقدامات انقلابی (نه به تعبیر دانشگاهی ها " عملکردی") ، رفع شده وبا چنین اهتمام بزرگ به سطحی بهتر از توسعه قبل جنگ ، ارتقاء یافتند.

Whatever brought on heads of nations today and is the result of their own actions, it is still not historical gathering place deterioration, and there were a few samples in during world warII in Germany, Japan, to some extent, in Europe, Asia and some of the world was created and with revolutionary measures were removed (no by interpreters of universities "functional works ") and with such great efforts were upgraded to develop a better level than before the war.

میگویند:جنگ جهانی سوم درپیش است (در غرب وبخصوص آمریکا که نمی تواند این قدرت بیداری وتغییر بنیادین جهانی را تحمل کند) از طریق بهانه جوئی های آمریکا وهم پیمانان اونظیر اسرائیل وحکومت وهابی سعودی وغیره ، کلید خواهد خورد ، درشرایط فعلی هم پیش لرزه های آن در بعضی نقاط جهان روی داده ورزمایش های همه روزه کشورها در سراسر جهان ، نمونه های ازاین زلزله ویرانگر است ، به شعر زیر که احتمالی از آغازیدن این رویداد وحشناک است توجه کنید:

They says: Will take place world war III (and West, particularly America that cannot be tolerate this fundamental change of global awakening), will begin foreshock in the way of seeking excuses from America and Saudi Wahhabi allies liker Israeli government and etc, At present conditions became apparent in some points in the world and doing of daily warlikes over the world are some samples of this ruin earthquake, pay attention to below poem this terrible event is to begin parable to show:

به چی میخندی پس!؟ (What are you laughing so!?)

هیچ با دنیای حاضر آشنا هستی؟ (None of the present world, are you acquainted it?)

آیا خبر ها را میشنوی؟ (Did you hear news?)

چه اتفاقی افتاده است؟ (What has happened?)

خیلی ها با هم حرف می زنند(Much of people talk together)

خیلی ها ساکت هستند (Many are silent)

بعضی ها گریه می کنند(Some cry)

عده ای می خندند (Some laugh)

بعضی های هوشیارانه خبر ها را دنبال می کنند (Some follow the news conscious)
 بعضی ها خواب هستند (some sleep)
 بعضی همیشه بیدار هستند (some awake ever)
 سراسر دنیا کشت و کشتار است (The world is killing over)
 جای تو امن است؟ (you get instead are?)
 زیاد مطمئن نباش (Do not be so sure)
 شاید همین فردا ، کنارت یک بمب منفجر شود (perhaps this tomorrow , Beside you a bomb)
 (explode
 به چی میخندی پس؟! (What are you laughing so?!)
 خبر بزرگ در راه است (The great news is on the way)
 مردم از همدیگر سوال میکنند (People ask each other)
 چالش و اختلاف زیاد شده (There are differences Challenge so much)
 دوست و دشمن به جان هم افتادند (some also fell of fried and enemy)
 این زمین برای چی است؟ (Why is the earth ?)
 وظیفه تو در روی زمین چیست؟ (What is your mission on earth)
 آیا همه خواهیم مُرد؟ (Shall we die all?)
 پس چرا از رفتن خود بی خبر هستیم؟ (So. Why are unaware of their loss ?)
 به چی میخندی پس؟! (What are you laughing so?!)
 چه کسانی پیروز هستند؟ (some victor)
 چه کسانی باختند؟ (some lost)
 اندیشمندان در چه فکری هستند (what do think wises)
 این آشوب با آشوب های دیگر تاریخ فرق میکند (this chaos is differs by another chaos in)
 (history

- (every where the protests) همه جا تظاهرات است
- (curse they) نفرین می کنند
- (people call Allah) مردم خدا را می خوانند
- (some dance whit Satan) عده ای با شیطان می رقصند
- those whoever dance whit Satan kill) آنهايي که باشيطان ميرقصند هر روز آدم می کشند (
- (people every day
- (What are you laughing so?!) به چی می خندی پس؟! (
- (the day become to sunset) روز در حال غروب است (
- (the people go through their home) مردم سوی خانه اشان میروند (
- (some no have home) بعضی ها خانه ندارند
- (some no have food) عده ای غذا ندارند (
- (Some are barefoot) بعضی ها پابرهنه هستند (
- (some wear shoes as 100 housed \$) بعضی های کفش 100 هزار دلاری می پوشند (
- (What are you laughing so?!) به چی میخندی پس؟! (
- (Night has come) شب فرا رسیده است (
- (some be afraid) بعضی ها میترسند (
- (some dance) بعضی های می رقصند (
- (Some drink wine) عده ای شراب می خورند
- (some cannot sleep and is thinking) عده ای نمی توانند بخوابند و فکر میکنند (
- (Each one of these conditions not Help) هر کسی از این وضع سردر نمیآورد (
- (What are you laughing so?!) به چی میخندی پس؟! (
- (but the news is correct) ولی خبر های درست است (
- (What great news ?) خبر بزرگ چیست؟ (

تو از خبر بزرگ چه میدانی؟ (What do you know? of great news?)

به چی میخندی پس؟! (What are you laughing so?)

هنگام جدایی فرا رسیده است. هر کس به راه خود می رود، ما می میریم و شما زنده می مانید. تنها خدا می داند کدام بهتر است؟

The hour of departure has arrived, and we go our ways I to die and you to live.
Which is the better, only Allah knows?

Mahmoud saneipour (6/26/2017)

آنچه امروز بلحاظ تحقیقات تطبیقی - پیمایشی مشاهده میکنیم ، گرایش بسوی تنظیم الگوریتم ها ی حقیقی است در واقع حقیقت تضعیف نشده ولی تقوای انسانی ضعیف شده است و این موضوع منحصر به غرب نیست ، بر عکس در غرب کسانی که قلمشان برای حقیقت نویسی بکار افتاده است ، کمتر از شرق نیست و خطراتی که از قرارگاه بیدار باش اعلام میشود بیشتر اقبال میکنند ، ثقلیت چپاول گری ، تکاثر گرایی و تعلقات مادیگرایان ، هنوز سنگین است ، و این ثقلیت در تصمیمات سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی جهان با وجود ابزارهای هژمونیک غرب ، موثر است ، ولی نباید قواعد جریانات تکوینی را مورد غفلت قرار داد ، مثلاً اینکه برای پروژه " برجام " زیاد هزینه شد، زیاد زمان تلف شد، نیازی نبود اینقدر برای این معاهده نافرجام هزینه میشد ، به عقیده من ، اینها از آزمون های الهی است ، با این تدبیر گام بزرگی برای رسوایی دروغ گویان و حیل سازان غرب برداشته شد و برای میلیون ها نفر در جهان این باور بوجود آمد که سران آمریکا دروغ گو و بدعهد هستند ، ارزش این باور جهانی بیش از هزینه برای برجام می ارزد ، آنهائیکه میگویند ، " توسعه یافتگی " گُند شده است ، یک سخن دلسوزانه است ، ولی کدام توسعه ، توسعه مورد نظر پیشگامان توسعه ویا توسعه ای که از اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک منسوخ شده فهم میشود، نقد ها، انقلاب ها و تضاد ها می خواهد بفهمانند که این فرضیه های این اقتصادی منسوخ شده اند، به درد کارهای انقلابی نمی خورد ، همانطور توسعه بعد از جنگ آلمان با این تئوری ها انجام نشد ، همانطور که پیشگامان توسعه این فرضیه هارا قبول ندارند، ما برای احراز حقانیت خودمان چه در نظر وچه در عمل این فرضیه ها قبول نداریم ، ولی باید برای قبولاندن حق امان ، هزینه کنیم!.

مورد اخیر خیلی رشد کرد و آثار شوم آن در بانکداری ، تعطیل شدن کارخانجات ، گسیل تکنولوژی های منسوخ شده و صدها تصمیم دیگر ، همین است که مشاهده میکنیم (به پنج قسمت اول طرح آمایش از این مولف توجه شود) ، ولی توسعه فهم و معنای تکوینی در بیداری ملت ها ، دشمن شناسی ، شروع همکاری های منطقه ای و بین المللی ، تبدیل شدن خصم به دوست همجوار ویا منطقه ای ویا بین المللی ، شنوا شدن گوش هائی که حاضر به شنیدن نبود و باز شدن دیدگانی که کور بود و زبان هائی که در کام یخ زده بود ، یخ ها آب شد و برای حقیقت گوئی ، گویا شد ، و بسیاری پدیده های نوین که ماهیت جهان امروز را تغییر داده و دیدگاه ها را دگرگون ساخته و قلم های برای تحریر مطالب حقیقی تجهیز گردید ، قیمت اینها در نزد خداوند متعال و مردم حق شناس بسیار زیاد و ارزنده است .

فرق انقلابی بودن و عملکردی عمل کردن

فرق فهم حقیقی ماهیت فی نفسه پدیده ها با نگاه به واقعیت ها (با هر نتیجه منتج شده) و اینکه باصطلاح واقعی است (به مقاله فهم حقیقی از این مولف توجه شود) ، یک گول زدن آشکار است ؛ نتیجه حقیقی از این نظر حقیقی اینست که حق است و باید به صاحب حق سود برساند که حدود پانصد قاعده دانش مفید آنرا تضمین میکند ، ولی واقعی بودن هر پدیده ، همان است که خود را بجای حقیقی جای می زند ، معلوم نیست آنچه از آن آشکار است و مورد استفاده قرار میگیرد ، برای همگان و بطور عادلانه توزیع میشود و یا نفع میرساند ، بسیاری از حقایق مورد انتظار ملل ، در محاق (wane of the moon) قرار دارد ، مثل همان کوه یخ که وسیله ای میشود خطرناک و هلاک کننده برای حیلہ گران تاریخ معاصر ، این ها حقیقت دارد ، دنیا صاحب دارد، این چپاول گراست که خیال میکند برای هر کاری آزاد هست.

هرکاری را می توان انجام داد، ولی قید و بندهائی دارد که نباید انجام داد و یا الزاماتی وجود دارد که باید انجام داد ، این باید و نباید ها اخلاق ، تقوی ، حق شناسی ، تکلیف و حقوق ، وجدان و تا 500 قاعده در دانش مفید با زیر مجموعه ای از هر کلید واژه (مداخل و مفردات) ، چه کسی این باید و نباید های مراعات میکند ، آنکه اعتقاد دارد ، اگر بر عکس عمل کرد و مخالف مصالح تکوینی و شرع عمل نمود ، کم فروشی کرد ، سر مردم کلاه گذاشت ، حق را ناحق جلوه داد و باطل را بجای حق استوار کرد و هزاران عمل دیگر که در تئوری های مدیریت عملگرایی (pragmatism) ادعا شده است ، مورد نظر دانش مفید (که از سه خمیر مایه تکوین ، تشریح و ابداع ناشی شده) نیست ، رویکرد علمی پراگماتسیم ، باین خصوصیات کاری ندارد و حتی با توجه جدائی دین از سیاست ، آنرا به تمام تصمیمات مدیریتی و دموکراسی در مشارکت هدف دار تعمیم داده است ، پروهش های تضارب افکار و بین الازدهانی و مسالحه کردن روی یک فعالیت و یا پروژه ای ، حتی برای فعالیت های ضد انسانی ، نام عملگرایی به خود میگیرد ، واقعاً جای این همه بصیرت ، سنت ، سودمندی ، مصلحت نظام و حقوق مردم ، عدالت و غیره در کجای این فلسفه عملگرایی قرار دارد ، درست است این شیوه کارکردن از عقلانیت سرچشمه گرفته است ولی همین عقلانیت در تصمیمات سیاسی - اقتصادی بکار رفته و ارزش های عقل حسابگر بسوی ایجاد 70 درصد فقر جهانی و بازار قرمز و جنگ تجاری جولان داده شده ، از جنس حقیقت نبوده و مصداق قواعد مربوط به حق خواهی مردم نیست ، و آنچه امروز مشاهده میکنیم ، گرایش بسوی فعالیت ها و پروژه های یقینی و مفید برای جامعه بشری است (به مقالات این مولف در این موارد مراجعه شود) ، جنبه دیگری در عملگرایی مورد بحث قرار میدهم که نامش " انقلابی عمل کردن " است ، فرصت را از دل مشکلات بیرون میکشد ، نوآوری را در بطن بحران و تکامل میبیند و ابر چالش های با جریان تکوینی بصورت جریان تکامل حل میکند.

معنی انقلاب روش و روحیه انقلابی

انقلاب به معنای زیر و رو شدن یا پشت و رو شدن است و در آغاز از اصطلاحات علم اخترشناسی بود و در معنای چرخش دورانی افلاک و بازگشت ستارگان به جای اول به کار می رفت. فلاسفه انقلاب را این گونه بیان می نمایند که ذات و ماهیت یک شیئی لزوما عوض شده باشد و در نگاه جامعه شناسان هرگونه جنبش اجتماعی توده ای که به فرایندهای عمده اصلاح یا دگرگونی اجتماعی بینجامد، انقلاب نامیده می شود، انقلاب های

بزرگ به آن دسته از انقلاب‌ها گفته می‌شود که با تغییرات اساسی در حکومت و ساختار اجتماعی یک کشور یا جامعه همراه بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ اشاره کرد. مدرک: <https://fa.wikipedia.org/wiki/انقلاب>

The mean of methods revolution and revolutionary spirit

Revelation means as Getting caught up and firstly, it was an idiom of astroarchaeology, the revolution philosophers like this suggest that the nature of an object is necessarily changed and at sociologists view is named revelation any mass social movement that the major processes of reform or social change lead, it is said that the great revolutions in those revolutions were result basic changing of structure of government and society like the great revolution of France , 1917 Russian Revolution and Iran Islamic revolution source: <https://fa.wikipedia.org/wiki/انقلاب>

انقلابی‌گری و تفکر و روحیه انقلابی که از ذات و ماهیت انقلاب نشأت می‌گیرد ، همان ویژگی ها را دارد که معنای انقلاب ایفاد میکند ، اینکه گروهی خود را انقلابی قلمداد کنند ولی از روحیه و تفکر انقلابی برخوردار نباشند ، یک تضاد (Conflict) اجتماعی ایجاد شده است ، روحیه و تفکر انقلابی یعنی جوشش درون برای دگرگونی خود و جامعه ، متکی به اصول و مبانی یقینی به راهی که می‌پیماید و هراسی از پیامد های آن ندارد، این چنین اعتماد به درون خویش، منجر به اقدامات شجاعانه در عرصه های انقلاب تا نیل به تحقق کامل اهداف انقلابی می‌گردد، در عین حال چنین شخصیت انقلابی از بصیرت ، دانش لازم ، خلاقیت و جهادگری لازم برخوردار بوده و این منش و روش را مرتباً در وجود خویش و دیگران توسعه می‌دهد، مثلاً اگر دلار 10 تومانی ، یک شبه شد 80 تومان ، جامعه انقلابی اولاً فهم میکند انقلاب در خطر است و بر اساس این بصیرت نقد انقلابی آغاز می‌گردد و کسانی که این خطر را توجه نمیکنند ، این نقادان انقلابی را شماتت میکنند!.

Revolutionary and thinking of about this matter comes from the inherent nature of revolution, it is the same special as that revolution get mean, that group consider themselves revolutionaries but do not have the spirit of revolutionary thinking, has Created a social conflict, the ferment within the spirit and revolutionary thinking for its changing society, rely (up) on essential and basis on be certain the road travels and he doesn't have any fear from those ripple effects, such confidence in one's inner self, is leading the courageous actions in many fields of revolution until be true revolution's objectives, at the same time such a revolutionary character has insight , necessity knowledge, creativity and jihadism do and this attitude often develops in themselves and others, for example, if 1\$ 7 toman , became overnight 80 toman , it is understandable revolution revolutionary society is in danger, and

based on this insight the revolutionary criticism is beginning and those who do not pay attention to this danger, critics have blamed the revolutionary!

چنین فهم و بصیرت در تحولات اجتماعی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، مستلزم داشتن چاره کار در تغییرات اجتماعی از لحاظ ساختاری، بنیان‌ها، روحیه‌ها و منش‌ها، فدانکردن حقوق مردم به بهانه مصلحت‌ها، برداشتن شکاف‌های طبقاتی و ایجاد یک پایگاه مقوم اجتماعی در توسعه پایدار و جلب اعتماد مردمی به نظام؛ جلوگیری از تکبر و تفاخر، جهالت و ضلالت و بسیاری آفات اجتماعی است که مردم به خاطر آن انقلاب کرده‌اند، با رفع این آفات و شرایط نامساعد، مردم به حکومت لاحق وفادار شده و از حکومت سابق و مظاهر فساد و ظلم آن عمیقاً تنفر پیدا کرده و شاخص‌های حکومت عدل و انصاف یکی بعد دیگری تبلور یافته و مشروعیت نظام لاحق تحقق یافته و کارهای به مردم واگذار می‌گردد و تحول اجتماعی مطابق منشورها و قانون اساسی و سایر اسناد تحول و مهندسی نظام به تکامل می‌رسد. مدرک: (alavi.ihcs.ac.ir/article_2852_67799b3a6bac130c0a1edb18e67fd7a...)

Such this understanding and insight in social changing from view of Imam Ali (peace upon him) in Najolbelagheh, should be have created a suitable structure, basis, esprit and good manner, to be not sacrificed rights of the people in the name of expediency, decreasing of class gap and creating of a social constituent base in sustainable development and the people's confidence in the system, avoiding of arrogance and self-glorification, and ignorance and many social insect and that people have revolted for them, by removing these pests adverse conditions, People loyal to the regime's subsequent and deeply hated from objects of view corruption of the former regime and their injustice and the indices of governance's justice be embodied step by step and subsequent achieved legitimacy and tasks entrusted to people and social evolution get perfect according of prisms constitution and other evolution documents and engineering of governance. Reference: (alavi.ihcs.ac.ir/article_2852_67799b3a6bac130c0a1edb18e67fd7a...)

بدیهی است شعارهای کوبنده انقلابیون در مورد تحقق عدالت، عدالت توزیعی، کوتاه کردن ویا قطع دست‌های خیانتکاران و چپاول گران از بدنه نظام و هوچی‌گری‌های تهی مغز، بر پائی و پایداری آرمان‌های به حق آنان، انجام و برقراری کارگزارانی صدیق و خدمتگزار به مردم و سایر شاخص‌های انقلابی‌گری که برای آنها خون داده شده است، مطمح نظر اقتشار عظیم هر کشور انقلابی بوده و تبدیل شعارهای انقلاب به قانون، دستورالعمل‌ها، معیار حکمرانی، استاندارد معنوی و فیزیکی و سیستم‌های اجتماعی از خواسته‌های فرهیختگان و نمایندگان مردم انقلابی می‌باشد، انقلابی که در ردیف انقلاب‌های بزرگ جهان نام برده است، گنج عظیمی است که نباید بدست غارت گران قرارگیرد که گاهی با تدابیر و نقشه خارجی همراه است، دراین راستا سلطه ارزی مهم است ولی مهمتر از آن آرمان‌های مردم بپا خواسته است که ازجان

ومال خود در این راه دریغ نکردند ، این مولف در 285 مقاله در سه دهه اخیر شاخص ، رویه ها ، و روش های زیادی با توضیحات موسع تحریر ومنتشر نموده است (www.lememofid.com).

Obviously, rousing revolutionary mottos about proving to be justice, distribution justice, cutting of treacherous, hands from government's body and hooliganers who is bare brain, standing and worked by the feet of their right aims, establishing of true personals and servant to the people those who has forgiven their blood in this way, according of laws, rules, governance's criterion, physical and spiritual standards and satiable social systems , this revolution that above-mentioned to range with great global revolutions so it is a great treasure that should not be taken by looters, in this regard, it is important foreign currency, but important than that is the aims of the people those did not hesitate from its life and property in this way, this author has written 285 articles about these matters many indices , methods and rules by many explanations in this way(www.elmemofid.com).

برای اینکه یک نفر ، یک گروه ویا یک دولت انقلابی عمل کند وخواهد وهم بتواند انقلابی رفتار کند به محرک های بزرگ وجوشش های دورنی وروحي نیاز دارد ، این محرک ها وجوشش روحی به زمینه هائی نیاز دارد که اولین کسی که از نظر سیستم های اجتماعی روی آن بحث کرده ومورد توافق اکادمی های جهان قرار گرفته است ،نظریه ابن خلدون (the theory of Ibn Khaldun) است ، مدرک (<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/7041/51/text>) ، لذا محرک (motivation) ، اولین ترکیبی است از توافقات اجتماعی ، شناخت تضادهای سیستمی ، هم بستگی های عینی ، تشکیل توانائی های انقلابی ، حاکی از تفسیر نظام موجود که ابن خلدون در مقدمه خود این آمیخته را عصبیت (party-spirit) نامید.

The monetary revolution and its ontology

For one person, a group or a government act revolutionary and would and also could do the revolutionary behavior, they need to big motivation and internal and spital boiling, this motivation and internal and spital boiling needs to many areas those who firstly has discussed about this matter was Ibn Khaldun and this theory was accepted with world, s academies as “theory of Ibn Khaldun “source: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/7041/51/text>), therefore), motivation was the first composition of social party-spirit, recognizing the contradictions of the system, objective correlatives, formating of revolutionary abilities , from stating of interpret being system that Ibn Khaldun called this composition as “party-spirit”.

هر انقلابی از هستی‌شناسی آن ذواتی که عوامل موجد آنرا تشکیل می‌دهد، شناسائی میشود و انقلاب پولی و تغییر در سبک زندگی و بسته‌معیشتی مردم و غیره از این قاعده کلی خارج نیست، لذا ذوات هستی‌شناسی عوامل موجد از مباحثی است که در معرفت‌شناسی، جهان‌بینی، اصول اعتقادی هر فرد و یا گروه‌های اجتماعی نقش بسزایی دارد، موضوع جریان فکری و فرهنگ اجتماعی، فرهنگ زندگی اشرافی، خُرده اشرافی، دل‌بستگی‌های مارک‌های وابسته به ارز خارجی، اتومبیل‌های اشرافی، لباس و غذاهای‌های اشرافی و هزاران سبک و ژانری که با دلار و ارز خارجی تحصیل آنها میسر میشود، همه اینها به پول و معاملات و شوق خرید و فروش، بازار گردی، بازار گرمی، بازار قرمز و... بستگی دارد، لذا این هستی‌شناسی بما میگوید، هر طور میتوانید زندگی کنید، ممکن است! ولی با چه ارزشی، با چه حسی، با کدام معنویت، چه ارزش‌هایی از دست میدهی و چه ارزش‌هایی بدست می‌آوری؟، آیا دین و مملکت و شرف و آزادی و وجدانت مهم است یا اینکه اینها را با دلار ینگه دنیا عوض کنی؟!.

Every revolutionary identified from it ontological and essences that make up the caused factors and revotion monetary, changing of lifestyle, the livelihood package of people and other not out the general rules, therefore the essences the ontology of the caused factors are from many discussions those are boss roles in world looking, the essential belief of people, social groups and epistemology, the subject of current thought and social culture, aristocratic culture, in luxury, attaching of marks related to foreign exchanges, aristocrat automobile, aristocrat dresses and foods and thousands of style that is possible by dollars and foreign exchanges, all of them deepens on money, deals, desired merchandise, tourism market, aftermarket, the red market and so on, so this ontology tells us, you can live any way is possible!, but by which value?, which feeling?, which spirituality, what values lose and what values can you collect? Is important your religion country, dignity, freedom and conscience or these are dollars that trip to this side of the world to change it?

بر اساس مبانی فلسفی دکارت، انسان موجودی خودبنیاد است که حقیقت آن نفس یا همان فکر و اندیشه است، خدا نیز در این تحلیل، همان فکر محض است که در فلسفه وی شأن معرفت‌شناختی دارد و صرفاً ضامن خلق و بقای قوانین مکانیکی عالم است و به تعبیری، خود آن قوانین و خود طبیعت است، بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی، انسان دکارتی را انسانی منسوخ و دورافتاده از هویت خویش میداند، یکی از بحث‌های مهم انسان‌شناسی در غرب، مخصوصاً در دوران جدید، بحث حقیقت انسان و ارتباط آن با خدا به عنوان مبدأ عالم و حقیقت مطلق است، مدرک: www.ensani.ir/storage/Files/20120504165836-9015-75.pdf. انسان یک حقیقت و فاعل شناسا محسوب میشود.

Based on the philosophical foundations of Descartes, the human being is autonomous that truth is the soul or the thought; also Allah is in this analysis, as you think the same that in his philosophy is the epistemological status and

mere guarantor of the creation and maintenance of mechanical laws of the universe and in a sense, nature has its own laws and its, according to Allameh Tabatabaei, Cartesian human is an abolished man and is isolate from its identity, one of the most important debates of anthropology about human in the West, especially in new age , the truth of man and their relationship with God in regarding as source of creation and absolute existence , source: www.ensani.ir/storage/Files/20120504165836-9015-75.pdf ,human is truth and the active participle of its acquaintance.

انسان حقیقی است که با حق و حقیقت گره خورده است و با تحلیل مکانیکی عالم متفاوت و حتی اشراف بر آن دارد و قدرت ابداع و نوآوری و خلاقیت از جانب خداوند متعال به او تفویض شده است ، می تواند برای خودش زندگی خلق کند ، محیط زیست مطلوب بسازد ، فناوری های خلق کند که طبیعت و فضا را سالم نگه دارد و در سلامت خود یک مُبدع خیره باشد و صدها اصل و فرع و قواعد و قانون که انسان هم می فهمد و هم ایجاد میکند ، البته تا موقعی که اسیر هوا و هوس نشده و از حيله شیطان تبعیت نکند ، خود سبک مستقلى در نظام فلسفی و انسان شناسی خود برگزیند و همه این سخن و هر مونیك آن ، یعنی انقلابی که انسان انتخاب میکند ، خود بهترین گزینه آفرینش است و باید بهترین گزینه های مناسب حیات خویش را انتخاب کند ، طبق دیدگاه طباطبایی، حقیقت انسان تنها فکر و اندیشه نیست، بلکه روح و نفس الاهی است که موجودی ذاتاً مجرد است ، خود و جامعه را تدبیر میکند، این انسان با فطرت و هویت الاهی خویش خودآگاه، جهان آگاه و خداآگاه است.

The man is truth and tied with the truth and right and by analyzing the mechanical world is different, or even the nobles sought and creativity and innovation and creativity has been delegated to him by Allah, he can creates a life for himself, malts desirable environment, he can creates technologies that hold it heath and his health is a Certified inventor and hundreds of minor rules of law which man understands both creates, it was not until the captured carnal desires and the artifice devil has not followed, adopt an independent style in the philosophical and it-self anthropology and all this speeches and its hermeneutic, the revolution that chooses whit man, his it-self in the best selection in creation and must selects it's the best and suitable living in the world, according Tabatabai's view, indeed, humans are not the only ideas, but the soul is divine that Balance is inherently abstract, devise its own community, this is human nature and his divine identity, conscious, aware and self-aware in the world.

مسئولی که در درون خویش تضاد داشت و به خود نیز دروغ گفت

دوشنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۷ ساعت ۲۰ : ۱۰

نامه زیرخاکی از خاوری، متهم اختلاس 3000 میلیاردی: وظیفه شرعی همکاران مبارزه با فساد است!



روز گذشته نامه ای به امضای محمودرضا خاوری، متهم فراری پرونده فساد سه هزار میلیاردی که مربوط به دوران تصدی سمت مدیرعاملی بانک ملی توسط وی برمی گردد، منتشر شد. روزنامه خراسان نوشت: روز گذشته نامه ای به امضای محمودرضا خاوری، متهم فراری پرونده فساد سه هزار میلیاردی که مربوط به دوران تصدی سمت مدیرعاملی بانک ملی توسط وی برمی گردد، منتشر شد. خاوری در این نامه، درباره لزوم مبارزه با فساد اقتصادی در نظام بانکی نوشته است. این نامه واکنش کاربران شبکه های اجتماعی را به دنبال داشته است. کاربری نوشته: «این جاست که ثابت میشه نباید از روی ظاهر افراد ضاوت کرد. چون همین آقای خاوری هم یه زمانی خودش نصیحت می کرده که باید جلوی فساد گرفته شود»!



[نامه زیرخاکی از خاوری، متهم اختلاس 3000 میلیاردی: وظیفه شرعی همکاران مبارزه با فساد است!](#)

روز گذشته نامه ای به امضای محمودرضا خاوری، متهم فراری پرونده فساد سه هزار میلیاردی که مربوط به دوران تصدی سمت مدیرعاملی بانک ملی توسط وی برمی گردد، منتشر شد.



[خاوری در یک مرکز خرید در کانادا](#)

تصویری منتسب به محمودرضا خاوری مدیرعامل سابق بانک ملی در یک مرکز خرید در کانادا منتشر شده است.

